

صدرالمتالهین، شریعت را روح سیاست می‌داند

شریف لک‌زایی گفت: از نگاه ملاصدرا، صلح باید در درون خود انسان اتفاق بیفتد، یعنی انسان بتواند بین ادراکات عقلی و باورهای قلبی خود صلح برقرار کند.



شریف لک‌زایی گفت: از نگاه ملاصدرا، صلح باید در درون خود انسان اتفاق بیفتد، یعنی انسان بتواند بین ادراکات عقلی و باورهای قلبی خود صلح برقرار کند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و آئین - نگار احدپور اقبلاغ: اول خرداد در تقویم جمهوری اسلامی ایران روز بزرگداشت ملاصدرا؛ صدرالمتالهین شیرازی نامگذاری شده است. صدرالمتالهین شیرازی از برجسته‌ترین فلاسفه اسلامی (در عصر صفوی) و صاحب مکتب فلسفی خاصی به نام حکمت متعالیه است. ابداع چشمگیر وی در فلسفه، اثبات حرکت در جواهر اشیا بود. به اعتقاد او حرکت نمی‌تواند در سطح اعراض محدود شود. وی به شکلی شایسته توانست بین شریعت، حکمت اشراق، حکمت مشاء و عرفان واقعی (و نه تصوف) پیوند ایجاد کند، و مکتب جدیدی را در این راستا عرضه نماید.

صدرالمتالهین به عنوان فیلسوفی متاله و حکیمی شیعه با تکیه بر اصول و مبانی خاص حکمت متعالیه توانست تصویر جامعی از نظام هستی ارائه دهد که بر اساس آن انسان در پرتو اخلاق و توجه به اصول حکمت عملی می‌تواند سیر استکمالی خود را از حضیض ماده تا اوج تجرد ببیماید و به مرتبه نورانیت محض نائل آید. صدرالمتالهین از نویسندگان خوش قلم و پرکار در فلسفه اسلامی است و آثار قلمی او لطیف و در کمال فصاحت و بلاغت است. نوشته‌های صدرالمتالهین در مجموع از ویژگی‌هایی چون جامعیت، دآوری مصلحانه بین آرا مختلف، استفاده از عقل، ذوق و وحی در حل مبهمات، احاطه بر آرا گذشتگان و در آخر سهل و ممتنع نویسی برخوردار است.

ملاصدرا در آثار خویش به کرات از جوانب مختلف درباره معرفت سیاسی به تأمل پرداخته است. یکی از این زوایا، موضوع جایگاه سیاست و دانش سیاسی در طبقه بندی علوم است. ملاصدرا در شرح الهدایه الاثیری، طبقه بندی علوم را مورد توجه قرار داده و درباره اقسام حکمت می‌گوید: حکمت بر دو قسم نظری و عملی است، که حکمت نظری از عملی برتر است. وی سپس به ذکر اقسام هر یک از دو حکمت پرداخته است: اقسام حکمت نظری عبارتند از: علم اعلی، طبیعی، منطقی و ریاضی. و حکمت عملی نیز به سه قسم است: علم اخلاق، حکمت منزلی و حکمت مدنی.

صدرالمتالهین، شریعت را روح سیاست می‌داند

به همین مناسبت با شریف لک‌زایی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به گفت‌وگو نشستیم تا در خلال بررسی اندیشه سیاسی این فیلسوف بزرگ به این پرسش، پاسخ بدهیم که نسبت اندیشه سیاسی ملاصدرا با اقتضائات دنیای مدرن چیست. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفتگو است:

شریف لک‌زایی در خصوص اندیشه سیاسی ملاصدرا با بیان اینکه سیاست و اندیشه سیاسی ملاصدرا از گذشته تاکنون محل بحث و منازعه بوده، گفت: اگر بخواهیم در زمینه جایگاه سیاست در اندیشه ملاصدرا گفت‌وگو کنیم، نکته بسیار مهمی که مطرح می‌شود این است که رابطه و نسبت سیاست و شریعت از دیدگاه ملاصدرا چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت، ملاصدرا، شریعت را روح سیاست می‌داند و به صورت مبسوط و مفصل در آثار خود از جمله در کتاب «الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه» این بحث را مطرح کرده و همچنین در رساله «المظاهر الالهیه» هم به صورت مختصر این بحث را ارائه کرده است.

وی افزود: ملاصدرا در کتاب الشواهد، به ۴ تفاوت میان شریعت و سیاست اشاره کرده است. از نظر ایشان، شریعت و سیاست به مثابه روح و جسد هستند، یعنی سیاست بدون جسد پایایی و مانایی نخواهد داشت و شریعت بدون سیاست ظهور و جلوه بیرونی، حقیقت و واقعیت عینی و بیرونی نخواهد داشت.

لک‌زایی با اشاره به اینکه هر اندیشه سیاسی، از منظر اجتماعی جایگاهی دارد، عنوان کرد: اگر بخواهیم از مباحث خود ملاصدرا بهره بگیریم، باید عرض کنم که سیاست جسمانیة الحدوث خواهد بود، در واقع زمانی که یک جامعه خودش را اداره می‌کند و سامانه اداره خود را تنظیم و پیش می‌برد، در چنین جامعه‌ای ارزش‌هایی وجود دارد که سیاست در آن حضور جدی و مؤثر خواهد داشت.

وی خاطرنشان کرد: در واقع، قلب سیاست از نظر ملاصدرا، شریعت خواهد بود و روح سیاست، شریعت. ایشان همچنین به ۴ تفاوت شریعت و سیاست اشاره می‌کند. تفاوت در مبدا یا خاستگاه. تفاوت در غایت و هدف این دو، تفاوت در فعل و تفاوت در انفعال و کارکرد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: هر جامعه و سیاستی واجد یک سری ارزش‌ها، اعتقادات و باورهاست که در آن جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و برای مردم آن کشور اهمیت دارد، این می‌شود قلب سیاست.

وی افزود: اگر بخواهم از سیاست معنوی یا سیاست متعالیه ملاصدرا سخن بگویم باید اشاره کنم که از نظر او، این ارزش‌ها، ارزش‌های خشک و بی‌روح نخواهد بود، بلکه این ارزش‌ها باید در فکر و ذهن و جان مردم آن جامعه رسوخ کرده باشد، طبیعتاً از این منظر، همان بحث جسمانیة الحدوث بودن پیش می‌آید، یعنی اگر این سیاست هم بخواهد واجد شریعت باشد، باید از دل جامعه بیرون بیاید و این معنویت در جان مردم نفوذ و رسوخ کرده باشد.

سیاست عاملی برای رواج ارزش‌های معنوی و اخلاقی در جامعه

لک زایی با اشاره به تعبیر آیت الله شهید دکتر بهشتی از معنویت در جامعه عنوان کرد: هرگاه سیاست به عنوان واقعیت اجتماعی در جامعه معنویت ایجاد کند، آن زمان در جامعه ارزش‌های معنوی، الهی، اخلاقی و انسانی پاس داشته خواهد شد. بنابراین در این فضا به نظر می‌رسد، سیاست در نگاه ملاصدرا جایگاه بسیار مهمی دارد.

هرگاه سیاست به عنوان واقعیت اجتماعی در جامعه معنویت ایجاد کند، آن زمان در جامعه ارزش‌های معنوی، الهی، اخلاقی و انسانی پاس داشته خواهد شد. بنابراین در این فضا به نظر می‌رسد، سیاست در نگاه ملاصدرا جایگاه بسیار مهمی دارد.

وی با بیان اینکه ملاصدرا به حکمت نیز توجه ویژه‌ای داشته، تصریح کرد: البته توقع و انتظار ایشان از حکمت نیز این است که به تنظیم نظام معاش بپردازد و نجات معاد را رقم بزند. این کار حکمت است و ملاصدرا در ابتدای کتاب خود بدان اشاره و نشان می‌دهد که جایگاه سیاست و همچنین حکمت سیاسی، همچنین رنگ و بوی شریعت، معنویت، اخلاق و انسانیت در آثار و دیدگاه ملاصدرا بسیار پررنگ و برجسته است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی خاطرنشان کرد: ملاصدرا یک فیلسوف است و طبیعتاً آنچه ما از یک فیلسوف انتظار داریم، پاسخگویی به پرسش‌ها، مسائل مهم و دغدغه‌های بشر است. باید توجه داشت که مسائل و پرسش‌های فلسفی، مسائل و پرسش‌های همواره و دائمی بشر بوده، که پاسخ‌های فلسفی خودشان را هم می‌طلبند. برخی متفکران نیز که از آنان به عنوان فیلسوف یاد می‌کنیم به مسائل و دغدغه‌های دائمی بشر پاسخ می‌دادند.

وی افزود: هر دستگاه فلسفی نیز پاسخ‌های خود را بر مبنای مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی که اتخاذ می‌کند، طبیعتاً پاسخ‌های متفاوتی برای مسائل و دغدغه‌ها مطرح می‌کند. برخی از متفکرین هم البته مباحثی را مطرح کردند که در خور توجه است. به عنوان مثال «گلن تیندر» در کتاب «تفکر سیاسی» اشاره می‌کند که اگر ما بگویم یک تفکر سیاسی و اندیشه سیاسی وجود دارد و به تعبیر دیگر در یک جایی دستگاه فلسفی و فلسفه سیاسی وجود دارد، باید به یک سری پرسش‌های اساسی جامعه پاسخ بدهیم، مثلاً پرسش از چیستی و هستی انسان، پرسش از جهان هستی و آفرینش و hellip& باید مورد توجه قرار بگیرد. خالق هستی باید مورد تأمل و پرسش و گفت و گو قرار بگیرد.

لک زایی تصریح کرد: برخی از مفاهیم کلیدی فلسفه سیاسی مثل عدالت، دولت، سعادت، قدرت، نظام سیاسی و آزادی، موضوع جنگ، امنیت، نیز باید مورد بحث و گفت و گو قرار گیرند. این فلسفه سیاسی و این دستگاه فلسفی باید در این خصوص پاسخ منطقی و منسجم و اندیشمندانه‌ای را ارائه کند. پرسش از شناخت یک پرسش مهم است. مباحثی مانند شیوه کشورداری، حکمرانی و ویژگی‌های کارگزاران باید کاملاً مشخص شود.

وی افزود: اینها موضوعات بسیار مهمی است و هم اکنون نیز مورد توجه و گفت و گو و محل نزاع است، بحث جنگ و صلح در قلب مباحث فلسفی و سیاسی امروز مطرح است. بنده در مقاله مفصلی از نگاه ملاصدرا بحث صلح را مطرح کردم، سه نکته را در آن مقاله مدنظر داشتم، از نگاه ملاصدرا، اولاً صلح باید در درون خود انسان باید اتفاق بیفتد، یعنی انسان بتواند در وقایع مختلف با خود و درونش صلح ایجاد کند و بین مباحث و ادراکات عقلی، باورهای قلبی و باطنی، رفتارهای ظاهری خود صلح برقرار کند. به عبارت دیگر باید در درون خود به تعادل و توازن برسد. وقتی این اتفاق افتاد صلح هم اتفاق می‌افتد، در درون جامعه نیز در ارتباطات و تعاملات گروه‌های مختلف با هم همین امر جریان دارد، زمانی که در درون یک کشور، صلح اتفاق بیفتد، چرخ فرهنگ و اقتصاد و سیاست و... از توازن برخوردار باشد و این صلح درونی پر رنگ و برجسته باشد، بسیاری از مشکلات را مرتفع می‌کند. بنابراین

این بحث دامنه بسیار گسترده ای دارد و من می توانم ادعا کنم از بسیاری از آثار فلسفی جهان خوانش های درستی صورت نگرفته است.

لک زایی تصریح کرد: تلقی هایی به خصوص در مباحث روش شناسی وجود داشته است که ملاصدرا فیلسوف کلاسیک در نظر گرفته شده و مباحث مدرن از منظر دیگر و با یک گسستی توسط ملاصدرا مطرح شده است، اما باید توجه داشت که مباحث اندیشه مدرن هم به بحث انسان توجه می کند و من با بررسی آثار ملاصدرا دریافتم که موضوع اصلی در آثار ملاصدرا نیز انسان است، این انسان با توجه به برخورداری از عنصر اختیار، دائم در حال ساختن خود و جامعه است و باید هم این طور باشد.

وی افزود: ملاصدرا از انسانی سخن می گوید که دائم در جامعه در حال تکاپو، تلاش و حرکت است و در جنب و جوش است تا مسیر درست را در پیش بگیرد. البته می تواند مسیر نادرست را هم انتخاب کند چراکه از عنصر اراده و اختیار برخوردار است و انسانی که دائم در مسیر تغییر و تحول و حرکت است مورد توجه ملاصدرا است. از این منظر می توان گفت اندیشه سیاسی ملاصدرا به کار انسان مدرن نیز می آید.